

نقدی بر نمایشگاه «روایت‌های کف خیابان» نسترن صفایی در پروژه‌های آران

روایت‌هایی که در خود فروپاشیدند



علیرضا بخشی استوار

آن بر خلاف آن چه در استیتمنت نمایشگاه آمده است، غیرقابل باور یا نشدنی است. این اتفاق‌ها در وهله نخست نشانگر آن است که هنرمند در ابتدا فهم دقیقی از شهر و ابعاد مختلف شهر ندارد. شهر برای هنرمند نه یک عنصر ناشناخته از سر راز آمیزی؛ بلکه عرصه‌ای ناشناخته به دلیل عدم ارتباط او با خود شهر است.

فرض را بر این می‌گذاریم که او در روایت‌هایش تلاش می‌کند، شهر را به عرصه‌ای تقلیل دهد که ساختارهای ارتباطی آن برای شهروندان مناسب نیست یا شهروندان نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند، اما پیش از هر چیز حاصل نمایشگاه نشان می‌دهد که این شهروندانست که نتوانسته خود را درون این شهر بیابد. در حقیقت مشکل نه به خود

شهر، بلکه به انسانی مربوط می‌شود که به دلیل عدم شناخت خود نتوانسته محیطی برای زیست خود بسازد یا فراهم کند. صفایی به عقیده خود می‌خواهد به چنین اتمسفر فکری یورش ببرد. او با این پیش‌فرض که شهر چه در ساحت فیزیکی و چه در ساحت اجتماعی کمترین تعلق را به شهروندان دارد، می‌خواهد کاهش حضور شهروندان در شهر را به باد انتقاد بگیرد. او در این راه معتقد است به زنان به واسطه جنسیت‌شان در طراحی شهری اجحاف شده و به حق شهروندی آن‌ها بی‌توجهی شده است. او می‌خواهد با حضوری فعالانه این موضوع را به چالش بکشد، اما او چه موضوعی را انتخاب کرده و چگونه می‌خواهد چنین مفهومی را برای مانمایان کند؟

ما در نمایشگاه به چهار مجموعه بر خورد می‌کنیم. مجموعه «به تهران» که شامل ویدئو و تمبری است که از عکس خود در آن استفاده کرده است. در ویدئو می‌بینیم که او نامه‌ای به شهر می‌نویسد و با تمبر خود این نامه را که وجهی گلابه‌آمیز دارد به صندوق پستی می‌اندازد. در مجموعه «انقلاب آزادی-آزادی انقلاب» اوسینی خرمایی در دست دارد و به مردم خرماتعارف می‌کند. در مجموعه دیگر که «پاشنه‌بلند» است او دوربین «گوپرویی» را دور گردن خود انداخته و از زاویه‌ای نامتعارف که مثلاً زاویه‌ای هم چون سر به زیر انداختن است تصویری را به مان‌شان می‌دهد که اروتیسم در آن در سطح بالایی منعکس می‌شود. او در این چیدمان گفش‌های پاشنه‌بلند خود را

در برابر این ویدئو گذاشته و در آن تعداد متلک‌ها و یاب‌قولی مزاحمت‌های خیابانی که با آن مواجه بوده را شمارش می‌کند. و در نهایت در مجموعه آخر او با جمع‌آوری اشیای بی‌مصرفی که در سطح شهر بوده؛ آن‌ها را در مسیر تکنیک آثار سابقش اگر اندیسمان کرده و به نمایش در آورده است. در هیچ‌یک از این مجموعه‌ها نکته‌ای که استیتمنت نمایشگاه می‌خواهد به دست مابدهد نمایان نیست. ما با روایت‌های تکه‌پاره‌ای مواجه هستیم که نمی‌توانیم در نهایت آن‌ها را کنار هم قرار داده و به یک روایت یکسان یا بهتر بگوییم کلان روایت برسیم. یا به یک معضل یا مسئله مشخص. برای همین عنوان گمراه‌کننده «تجربه شخصی پر سه‌زنی‌های هنرمند در سطح شهر»، بر این روایت‌ها سایه انداخته است.

نمایشگاه نسترن صفایی و آن چه که ارائه شده است در بالاترین سطح یک شوی بازار پسند با سویه‌های فمینیستی است. آن هم نه فمینیسم در قامت یک اندیشه، بلکه به عنوان یک کالبد که تنها ظاهری دارد و البته با یک تسامح فکری می‌توان آن را هنر مورد پسند اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دانست، که از زن خاور میانه‌ای توقع دارند یا از او می‌خواهند.

در نمایشگاه نسترن صفایی ظرفی داریم که نه تنها محتوایش به هم نمی‌خورد، بلکه از گنجایش آن بیشتر بوده و بیرون ریخته است. نمایشگاه‌ها و از فرط زیاده‌گویی و فریادی که می‌زند تبدیل به واژگانی شده که شنیده نمی‌شوند. در حقیقت او انگار اصوات بی‌معنایی تولید کرده که

صفایی به عقیده خود می‌خواهد به چنین اتمسفر فکری یورش ببرد. او با این پیش‌فرض که شهر چه در ساحت فیزیکی و چه در ساحت اجتماعی کمترین تعلق را به شهروندان دارد، می‌خواهد کاهش حضور شهروندان در شهر را به باد انتقاد بگیرد

فقط فضا را پر می‌کنند و هیچ کارکرد دیگری ندارند.

این نکته را می‌توان از نمایشگاه نسترن صفایی دریافت که به واقع یک هنرمند برای این که هنرمند شود چه اقداماتی را نباید انجام دهد. نسترن صفایی در نمایشگاهش نه تنها مواجعه یا زاویه دید جدیدی به ما نمی‌دهد، بلکه حتی نتوانسته مشکلات خودش یا شهر را نمایان کند و به همین دلیل خود را دست به دامان مفاهیم و شعارهایی کرده که بیشتر از دیگر مفاهیم جلب توجه می‌کنند. او با این مفاهیم که هوشمندانه هم انتخاب شده ما را به سوی خودش می‌کشد، امانه‌تنباهه سویی نمی‌برد؛ بلکه فقط مواجعه ما با شهر را ناکارآمدتر و آشفته‌تر می‌کند. در حقیقت او نشانی غلط می‌دهد و دلیل این اتفاق آن جاست که نسترن صفایی خودنمایی آن که بداند نشانی دقیق کجاست یا هیاهوی گوش‌پرکن ما را به سمت آن فرامی‌خواند.

جشنواره همراه بانک ایران زمین

۱ بهمن ۹۷ لغایت ۳۱ فروردین ۹۸

- جوایز ویژه به ارزش ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- کمک هزینه خرید گوشی همراه به ارزش ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- صدها کارت هدیه ایران زمین
- هزاران بسته ۵ گیگابایتی اینترنت ماهیانه



جهت کسب اطلاعات بیشتر به باشگاه مشتریان بانک ایران زمین به نشانی club.izbank.ir مراجعه فرمایید.